

عنوان مقاله:

بازتاب اندیشه اسطوره ای جادو در غزلیات مولوی

محل انتشار:

دوفصلنامه کهن نامه ادب پارسی، دوره 7، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

حسین پریزاد - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک

فروغ صهبا - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک

خلاصه مقاله:

با ورود انسان به عصر علمی و پشت سر گذاشتن دوره‌های اسطوره‌ای و فلسفی چنین به نظر می‌رسد که دوره اندیشه‌های اسطوره-ای به سرآمده باشد اما اساطیر به علت کارکرد و نقش عمیقی که در زندگی روانی و حتی اجتماعی نوع بشر داشته‌اند، هم‌چنان با تغییر، تحول و پویایی خاص خود از راه‌های گوناگون به حیات خویش ادامه می‌دهند. جادو، نماد، داستان‌های تمثیلی، ادبیات عامه، آیین‌ها و مراسم محلی نقش مهمی در انتقال اسطوره‌ها به دوره‌های بعدی دارند. در این میان، جادو به علت کارکرد گسترده‌ای که در جوامع بشری داشته است نه تنها در بسیاری از حوزه‌های معرفتی بشر وارد شده بلکه بازتاب‌دهنده بسیاری از باورهای اساطیری هم می‌باشد. نقش جادو و جادوگری در بازتاب و انتقال اندیشه‌های اسطوره‌ای از مولفه‌های دیگر اگر بیش‌تر نباشد، کم‌تر نیست. بخشی از جادو که با آیین-های ابتدایی بشر پیوستگی دارد، با اسطوره‌ها در ارتباط تنگاتنگ است. در مقاله حاضر، برخی از مهم‌ترین اندیشه‌های اسطوره‌ای-جادویی در غزلیات مولوی به شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. آیین‌های جادویی، شیوه‌های جادوگری، واژه‌ها و ترکیبات جادویی، تاثیرات آشکار و پنهان جادو بر سرشت اجسام و افراد و بازتابی از همان اندیشه‌های اسطوره‌ای در غزلیات مولوی است.

کلمات کلیدی:

جادو، اسطوره، غزلیات شمس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1386417>

